ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•چهارشنبه•اول خرداد۱۳۹۸•شماره۱۳۲۸

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): خوشا به حال کسانی که برای خدا گرسنه یا تشنه شده‌اند. اینان در روز قیامت سیر می‌شوند. **وسائل الشیعه**

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه «یاحی یاقیوم»

آیات نور

سوره طه

فرصتی که خدا به گنهکاران می دهد

اگر هر مجرمی بلافاصله و بدون هیچ‌گونه مهلت مجازات شود، ایمان و عمل صالح، تقریبا جنبه اضطراری و اجباری پیدا می‌کند و بیشتر به‌خاطر ترس و وحشت از مجازات فوری خواهد بود، بنابراین وسیله تکامل که هدف اصلی است نخواهد شد... بنابراین باید مهلتی باشد تا گنهکاران به خود آیند و راه اصلاح در پیش گیرند.

منتخب تفسیر نمونه

در محضر بزرگان

رفع فقر یکی از وظایف مسلمانان است

علامه محمدرضا حکیمی می‌فرمایند:
در دعای مأثوری که در ماه رمضان پس از هر نماز واجب خوانده می‌شود، چنین آمده است: «اللّهمّ أغن کلّ فقیر» خدایا! همه فقیران را بی نیاز کن. این دعا و امثال آن، از واضح‌ترین شواهد و دلایل است که خواسته اسلام، از میان رفتن فقر از همه پهنه‌های اجتماع انسانی و از زندگی همه افراد است... و چون جهان، جهان اسباب و وسایل است، رفع و دفع فقر از هر فرد یا هر خانوار، یکی از وظایف واجب کسانی است که در جامعه‌های اسلامی زندگی می‌کنند، با استمداد از خداوند متعال. **خبرآنلاین**

کاریکلماتور

رضا وارسته

*آینه هم ظاهربین است.
*ابر جیره باران را یک جا توسط سیل پرداخت کرد!
*آغوش آب همیشه برای ماهی باز است.
*تابستان «کلاس» مدرسه را پایین آورد.

قرار مدار

روز خرید بادکنک
امروز یه بادکنک بخرین
و بعد توی راه اونو بدین
به یه بچه
قطعا همون بادکنک
کوچیک باعث یه
خوشحالی بزرگ
میشه

اندکی صبر

نامه‌های بی جواب

فاطمه چامه سرا

نامه هایم بی جواب
از آسمان باریده‌اند
این کبوتر خسته است
یا تو هوایت بی‌نشان؟!

دنیا به روایت تصویر

گاردین| دونده معلول ماراتن بالای دیوار چین

تلگراف| باغ وحش چراغی، سیدنی

ایندپندنت| تخلیه برج ایفل در پی تلاش مردی ناشناس برای بالا رفتن از آن

فتوترانه

ترسناک

کانال کولر

کولر روی پشت بام را سرویس کرده بودند ولی فشار آب کم بود و خوب خنک نمی کرد. همسرش گفته بود زیاد روشن نگهش ندارد تا جمعه یک فکری برایش بکند. ظهر تنها بود و گرمش شد. کولر را روشن کرد. مثل پنکه فقط باد می‌زد ولی همان هم غنیمت بود. صدایی از داخل کانال کولر شنید. فکر کرد صدا از موتور کولر است، فوری خاموشش کرد. صدا قطع نشد، تق تق. می‌ترسید شب که شوهرش بیاید معلوم شود کولر خراب شده است. خواست تلفن بزند و جریان را بگوید که دید صدا شدیدتر شد. به کانال کولر نگاه کرد که ناگهان دریچه از جا درآمد. از ترس تلفن را به زمین انداخت. عقب عقب رفت، دستی سیاه و چروکیده از داخل کانال بیرون آمد... ع.ک

منتخب چی شده؟

عوارض گرون نشدن بنزین و گرون شدن گوشت!

سلام، خوبین؟ ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. با این که عکس بانمک بود ولی پیامک بی‌نمک زیاد داشتیم، برای همین پیامک‌های بی‌ربط و بی‌نام و کم‌مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله‌های بانمک‌تر رو انتخاب کردیم که می‌خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

*باب اسفنجی: دیدی بعضی وقتا اون قدر پول داری که نمی‌دونی باهاش چی بخری؟ پاتریک: نه ندیدم! باب اسفنجی: منم ندیدم... بزن قدش!
فائزه کهن شهری

*وقتی هر روز صبح از خواب بیدار میشی و می بینی هنوز بنزین رو گرون نکردن! **مهدیه سلطانی اول رودی، روستای زوزن**

*باب اسفنجی: بالاخره بعد از سه هفته کار سخت پول برای خرید آیفون جمع کردم! پاتریک: خیلی عالی باب، البته اگر من پولتو برای رفتن به کنسرت بهنام بانی خرج نمی کردم! **خاطره گلاب**

*وقتی دوتا کنکوری خبر به تأخیر افتادن کنکور رو بشنون! **حسین شریفی**

*باب اسفنجی: شنیدی خسرو حیدری کفشاشو درآورد و از دنیای فوتبال خداحافظی کرد؟! پاتریک: آره، منم به خاطر گرونی که نمی‌تونم گوشت بخورم دندونامو درآوردم و از دنیای گوشتخواری خداحافظی کردم!
سید حسین آروند

*باب اسفنجی: یک صف مرغ پیدا کردم ۲۵۰ تومان ارزون‌تر! پاتریک: وای تا تموم نشده بدو بریم تو صف! **علی عباس طلایی**

*پاتریک: کجا با این عجله؟ باب: ۵ دقیقه دیگه سایت دریاخودرو باز میشه و می خوام جت اسکی فول آپشن با شیشه برقی تحویل اسفند ۱۴۰۱ رو پیش خرید کنم! **وحید، کاشان**

*باب اسفنجی: امروز یه حس خوبی دارم! تیم ایران مربی خارجی می‌خواد، میرم اون جا میشم سرباب اسفنجی با سالی شیش میلیارد حقوق!
فرهاد دوست علی

تاپخند

واکنش های جالب به قسمت آخر بازی تاج و تخت

- به گیم آو ترونز میگین گات؟ بعد با اون نیم ثانیه ای که از این خلاصه سازی برای خودتون زمان ذخیره می کنین چی کار می کنین؟!
- ولی فکر کنم نویسنده فصل آخر گیم آو ترونز با رفیقاش می خواسته بره شمال که این قدر سریع سریال رو جمع کرده!
- اگه از قسمت آخر گیم آو ترونز راضی نیستین برید به ادمین سایتی که فیلم رو ازش دانلود کردین بدو بیراه بگین!
- جان اسنو قیافه‌اش همیشه جوریه که انگار رفیقاش آخر هفته رفتن شمال بهش نگفتن!
- دیدم حدودیک میلیون امضا جمع شده که فصل آخر گیم آو ترونز رو دوباره بسازن. منم رفتم امضا کردم، بعد فهمیدم خیلی از کسانی که امضا کردن گفتن اگه لازم باشه خودمون بودجه رو هم میدیم. الان گوشیم رو خاموش کردم که بهم پیام ندن بیا دنگتو بده!
- گیم آو ترونز دقیقا مثل زندگی منه. همه کارها رو عالی شروع می کنم و به بهترین شکل ممکن ادامه میدم، ولی آخرش قشنگ گند می‌زنم تو همه چی!
- در بین عوامل سریال گیم آو ترونز تنها کسی که کارش رو عالی انجام داد رامین جوادی، آهنگ سازش بود!
- طرف میگه شاهنامه چیه، همش تخیله. بعد خودش میشینه هشت فصل گیم آو ترونز می‌بینه و برای تموم شدنش اشک می‌ریزه!
- امشب تو باشگاه آهنگ گیم آو ترونز پخش شد. چند نفر سر استفاده از نیمکت، میله هالتر برداشتن با هم شمشیربازی کردن!

فتوکاتور

دور دنیا

بازپرداخت وام تحصیلی ۴۰۰ دانشجو

یورونیوز- «روبرت اسمیت» میلیاردر آمریکایی با اختصاص ۴۰ میلیون دلار، بازپرداخت وام حدود ۴۰۰ دانشجوی کالج «مورهاوس» را بر عهده گرفت. دانشجویان با شنیدن این خبر در جشن دانش آموختگی خود از تعجب برای لحظاتی در سکوت فرو رفتند و سپس با هیجان بسیار او را تشویق کردند. اسمیت که امسال دکترای افتخاری خود را از این کالج دریافت کرد، گفت: «من می‌دانم همکلاسی‌هایم در آینده این هزینه‌ها را با خدمت خود به جامعه پرداخت خواهند کرد.»

تفأل

کسی که حسن و خط دوست در نظر دارد
محقق است که او حاصل بصر دارد
چو خامه در ره فرمان او سر طاعت
نهاده‌ایم مگر او به تیغ بردارد

از اون لحاظ

داستان پدر و سه لودرش

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

پدری در حال احتضار بود. سه پسر گولاخ نره‌خرش دور تختش جمع شده بودند و در فراق پدر اشک می‌ریختند. پدر گفت: «لعنتیا اول این که من هنوز زنده‌ام، بعدش هم بروید چند تا چوب بیاورید می‌خواهم نصیحت‌تان کنم.» پسرها چند شاخه درخت آوردند. پدر نگاهی به دور بازوی فرزندانش کرد و گفت: «چند تا دیگه هم بیارید حالا، ضرر نداره.» آوردند. پدر مجددا نگاهی به دور بازوی پسرانش کرد و چوب‌ها را به آن که از دوتای دیگر لاغرتر بود، داد و گفت: «بشکن.» پسر شکست. پدر چوب‌های شکسته را روی هم گذاشت و قطرشان دو برابر شد. به پسر وسطی داد. شکست. باز قطر چوب‌ها را دو برابر کرد و به پسر بزرگ‌تر داد. او هم شکست. پدر گفت: «بروید کنده بیاورید.» کنده آوردند. گفت: «بشکنید». شکستند.
چند تا کنده دیگر درخواست کرد. آوردند و شکستند. بلوک سیمانی آورد. شکستند. آجر فشاری آورد. شکستند. گاردریل بتنی آورد. شکستند. پدر که پرهایش ریخته و قضیه مرگ و نصیحت به کل از یادش رفته بود، زنگ زد بازار آهن و مظنه آهن را گرفت. سپس سفارش میلگرد داد. میلگرد آوردند. میلگرد را به پسرها داد. خم کردند. دوباره زنگ زد و سفارش تیرآهن ۲۰ داد. گفتند نداریم. گفت ۱۸ بیاورید ولی رویش نبشی جوش بدهید. آوردند. پسرها خم کردند. پدر که چاره دیگری نداشت، ستون خانه را نشان داد. شکستند. خانه روی سرشان خراب شد. پسرها مشغول آواربرداری شدند و همین طور که سنگ و سیمان را کنار می‌زدند، باز یاد مسئله مرگ پدر افتادند و دوباره مشغول ناله و زاری شدند. پدر نیمه جان را از زیر آوار بیرون کشیدند. پدر در حالی که نفسش بالا نمی‌آمد گفت: «اون ساختمون بتن یکپارچه هه چی؟» پسر وسطی با کله به سمت ساختمان رفت و آن را هم پایین آورد.
ناگهان پدر آن روی سگش بالا آمد و گفت: «برید گم شید ببینم. شعور نصیحت شنیدن هم ندارین. دو دقیقه اومدیم داستان پندآموز تولید کنیم، نصف محل رو روی سرمون خراب کردید. از ارث هم محرومید. برید همین آهن و بتن‌هایی رو که نابود کردید به ضایعاتی بفروشید خرج زندگیتون رو دربیارید بی خاصیتا.» و سکته کرد و چشم از جهان فروبست.
پسرها گریه کنان آهن‌ها را بردند بفروشند، ولی در مسیر قیمت آهن ناگهان رشد کرد و پسرها بدون نیاز به هیچ پند و اندرزی پولدار و خوشبخت شدند و روح پدر بر سر و صورت خودش زد و به بخت بدش لعنت فرستاد.

یادش به خیر

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

*مطلب ۲۱ شغل رو به افول رو دیدم کلی خندیدم. آخه قربونتون برم، این کارا برای کشورهای خارجیه نه ما که می‌خوان خرید کالاهای اساسی رو کوپنی کنن!
سید مجید صمیمی، رشتخوار

*دخترم فهیمه، ۳ خرداد روز تولدت که همزمان با آزادسازی خرمشهر هست رو به شما تبریک میگم. با آرزوی سلامتی خودت و همسر و بچه هات.
مامان و بابا

*آق کمال؛ یه داستانک بگو توش این کلمات باشد: یره، چغوک، پلخمون، شله، باجناق، تنبان، زولبیا و بامیه!
آق کمال: باجناقم عین چغوکه، مخوام با پلخمون بزنمش. یره تنبونشه نمتنه بالا بکشه ولی شله ره با زولبیا بامیه موخوره!

*برادر عزیزمان رضا جان، پایان دوران خدمت مقدس سربازی‌ات را تبریک می گوییم. امیدواریم در کار و زندگی‌ات موفق باشی.
خواهرانت سارا و فاطمه

*خاطره جون تبریک میگم که توی مسابقات فیلمسازی مقام دوم رو کسب کردی، امیدوارم موفقیت‌های بیشتری از تو ببینیم.
مامان

سه نقطه